

## بررسی جنبه های شفاف سازی در برخی از ترجمه های فارسی به انگلیسی گلستان سعدی بر مبنای بافتی متناظر

دکتر محمدرضا پهلوان نژاد<sup>۱</sup>

سید علیرضا شیرین زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

تحقیق حاضر به دنبال بررسی فرضیه شفاف سازی و بررسی پدیده شفاف سازی در بافتی متناظر یک سویه فارسی-انگلیسی است. برای انجام این کار، ده حکایت که به صورت تصادفی از گلستان سعدی انتخاب شدند به همراه سه ترجمه انگلیسی آنها، توسط رهااتسک (۲۰۰۴)، ایستویک (۱۹۷۹)، و راس (۱۸۹۰)، مورد مطالعه قرار گرفتند. در همین راستا، محقق با مطالعه جمله به جمله این حکایتها و ترجمه های آنها به بررسی جنبه های پدیده شفاف سازی پرداخت و با استفاده از تقسیم بندی کلودی (۲۰۰۴) موارد شفاف سازی به کار گرفته را از ترجمه ها استخراج کرد. یافته های تحقیق، فرضیه شفاف سازی را تأیید کرد و نشان داد که مترجمان از تمام انواع شفاف سازی-اجباری، اختیاری، کاربرد شناختی، و ترجمه-ذاتی-استفاده کرده اند. از این میان شفاف سازی اجباری نسبت به دیگر موارد بسامد بالاتری داشت. کلید واژه ها: فرضیه شفاف سازی، بافت متناظر، گلستان سعدی.

۱- دانشیار گروه زبان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول rezapahlavan5@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد

## مقدمه

حدود یک دهه است که استفاده از روشها و فنون زبانشناسی بافت محور در مطالعه ترجمه مورد توجه قرار گرفته است. این امر به دنبال نقد و ارزیابی ترجمه ها نبوده است، بلکه در پی فرایندی است که در ترجمه رخ می دهد. بنابراین، مطالعات ترجمه بافت محور، محبوبیت خود را در زمینه انجام تحقیقات در ترجمه در دهه اخیر به دست آورده است؛ تحقیقاتی از جمله بررسی هنجارها و آزمون فرضیه های مختلف در حوزه ترجمه.

نظریات مختلفی در مورد پدیده شفاف سازی در ترجمه بیان شده است. به علاوه، فرضیه شفاف سازی<sup>۱</sup> یکی از فرضیه های بحث برانگیز رشته مطالعات ترجمه در دهه های اخیر بوده است. این فرضیه مدعی است که متن ترجمه شفاف تر و طولانی تر از متن مبدأ می باشد. هدف تحقیق حاضر آزمون فرضیه شفاف سازی در بافتی متناظر یک سویه فارسی-انگلیسی، یعنی ترجمه از فارسی به انگلیسی است.

## سؤالات تحقیق

۱. آیا متن ترجمه شفاف تر و طولانی تر از متن مبدأ است؟
۲. در متن مورد بررسی کدام نوع شفاف سازی کاربرد بیش تری داشته است؟

## فرضیه:

۱. ترجمه شفاف تر و طولانی تر از متن مبدأ است.
۲. در متن مورد بررسی شفاف سازی اجباری کاربرد بیش تری داشته است.

## پیشینه تحقیق

پژوهشگران، تعریفهای مختلفی از شفاف سازی دارند. در اینجا به بررسی نظرهای متفاوت خواهیم پرداخت. هر چند، پژوهشگران بر این قضیه توافق دارند که در پدیده شفاف سازی، چیزی به ترجمه افزوده می شود که می تواند افزایش در معنا یا ساختار باشد.

## شفاف سازی

پاپای<sup>۱</sup> (۲۰۰۴، ۱۵۳) در مقاله خود با عنوان "شفاف سازی" می گوید: شفاف سازی تکنیکی در ترجمه است که با تغییری در ساختار یا محتوا در ارتباط است. به علاوه، وی صریح سازی، افزودن حروف ربط، و ارتقاء اطلاعات زبانی را از جمله روندهای شفاف سازی می داند که مترجمان، ملزم به رعایت آنها می باشند. به نظر کلودی<sup>۲</sup> (۲۰۰۴)، شفاف سازی عبارت است از عمل شفاف سازی اطلاعاتی در متن مقصد که در متن مبدأ پنهان بوده یا به عبارت دیگر به صورت ضمنی بیان شده باشند. وینه و داربلنه<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) پدیده شفاف سازی را روندی می دانند که در آن اطلاعات ضمنی متن مبدأ با استفاده از سرنخهای بافتی یا موقعیتی به صورت شفاف در متن مقصد بیان می شود. بیکر<sup>۴</sup> (۱۹۹۶) می گوید که شفاف سازی در ترجمه، تمایلی است برای توضیح دادن و تشریح کردن، که از آن جمله می توان به عمل افزودن اطلاعات زمینه و آشنا در ترجمه، اشاره داشت.

در همین راستا، شاتلورث و کووی<sup>۵</sup> معتقدند شفاف سازی پدیده ای است که در آن پیوسته اطلاعات متن مبدأ به صورت شفاف تر در متن مقصد بیان می شود، خواه با افزودن عبارتهای توضیحی، حروف ربط، و یا توضیح دادن اطلاعات و معانی ضمنی. با در نظر گرفتن متن، شفاف سازی می تواند افزودن عبارتهای توضیحی یا حروف ربط و تصریح، یعنی استفاده از اطلاعات صریح تر در ترجمه، باشد (اوراس<sup>۶</sup> ۱۹۹۸؛ پیروگو<sup>۷</sup> ۲۰۰۳).

1. Papai
2. Klaudy
3. Vinay & Darbelnet
4. Baker
5. Shuttleworth & Cowie
6. Øverås
7. Perego

ون لون زوارت<sup>۱</sup> (۱۹۸۹، ۱۹۹۰) معتقد است که شفاف سازی اشاره دارد به تعدیلات نحوی-سبکی؛ به طوری که عناصر متن مقصد بیش تر از عناصر متن مبدأ می باشند. با در نظر گرفتن فرضیه شفاف سازی، چسترمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) می گوید که قانون دیگر ترجمه که مدتهای مدیدی است شناخته شده است، قانون شفاف سازی است: مترجمان به تولید ترجمه هایی که شفاف تر از متن اصلی می باشد گرایش دارند.

### مروری بر برخی مطالعات انجام شده در زمینه پدیده شفاف سازی

وهماس لهتو<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) تحقیقی بر متون مطبوعاتی فنلاندی که از زبان روسی ترجمه شده بودند، انجام داد و در آن به بررسی فراوانی حروف ربط پرداخت. وی فراوانی حروف ربط در متون مقصد را با فراوانی آنها در متون مبدأ مقایسه کرد. در نهایت، میزان بیش تری از شفاف سازی را در متون ترجمه شده مشاهده کرد. یافته های تحقیق وی فرضیه شفاف سازی را تأیید کرد.

واندروورا<sup>۴</sup> (۱۹۸۵) در تحقیقی به بررسی رمانهای هلندی ترجمه شده به زبان انگلیسی پرداخت. وی متوجه شد که مترجمان برای منسجم و روان تر کردن متن مقصد تغییرات مختلفی بر روی آن اعمال می کنند. در اینجا شفاف سازی بدین صورت بود که اطلاعات فرهنگی برای خوانندگان متن مقصد- که با مقولات فرهنگی متن مبدأ بیگانه هستند- شفاف سازی شده بودند.

اولهان و بیکر<sup>۵</sup> (۲۰۰۰) به مطالعه فراوانی استفاده اختیاری از ضمیر موصولی *that* و به کار نبردن آن، بعد از دو فعل *say* و *tell* پرداختند. فراوانی آنها در پیکره ای از ترجمه های انجام شده به انگلیسی در مقایسه با پیکره ای از متون اصلی انگلیسی بررسی شد. این دو محقق مشاهده کردند که مترجمان نسبت به نویسندگان متون اصلی انگلیسی بیش تر از شفاف سازی ضمیر موصولی *that* استفاده کرده اند. بنابراین، تحقیق آنها نیز فرضیه شفاف سازی را مورد تأیید قرار داد.

- 
1. Van Leuven-Zwart
  2. Chesterman
  3. Vehmas-Lehto
  4. Vanderauwera
  5. Olohan & Baker

## انواع شفاف سازی

کلودی (۲۰۰۴)، تقسیم بندی برای شفاف سازی ارائه داد که شامل چهار نوع شفاف سازی است: اجباری<sup>۱</sup>، اختیاری<sup>۲</sup>، کاربرد شناختی<sup>۳</sup>، و ترجمه-ذاتی<sup>۴</sup>.

### شفاف سازی اجباری

تفاوتها در ساختار نحوی و معنایی زبانها منجر به شفاف سازی اجباری می شود. این شفاف سازی از این جهت اجباری می باشد که جملات در زبان متن مقصد بدون به کارگیری آنها، از لحاظ نحوی اشتباه خواهند بود. یکی از دلایل عمده برای شفاف سازی اجباری نبود برخی از مقولات نحوی در یکی از دو زبان است. برای مثال، زبان روسی فاقد حروف تعریف می باشد. این حقیقت باعث می شود که در ترجمه از انگلیسی به روسی افزایشهای متعددی رخ دهد. به بیانی دقیق تر، حرف تعریف *the* باید به متن مقصد، یعنی انگلیسی، افزوده شود تا متنی خالی از اشتباهات نحوی داشت (کلودی ۲۰۰۴، ۸۲).

### شفاف سازی اختیاری

تفاوتهای موجود در راهبردهای ساخت متنی و ترجیحات سبکی بین دو زبان، منجر به شفاف سازی اختیاری می شود. این شفاف سازیها بدین معنا اختیاری هستند که می شود بدون کاربرد آنها جملاتی با ساختارهای نحوی صحیح در زبان مقصد ساخت، گرچه ممکن است متن به طور کلی غیر طبیعی و غیر روان گردد. برای مثال می توان به افزایش عناصر ربطی برای بالا بردن انسجام متن و افزودن عبارتهای توضیحی که در متن مبدأ نیامده باشند، اشاره کرد (همان: ۸۳).

1. obligatory
2. optional
3. pragmatic
4. translation-inherent

### شفاف سازی کاربرد شناختی

تفاوت‌های فرهنگی منجر به شفاف‌سازیهای کاربرد شناختی اطلاعات فرهنگی نهفته در متن می‌شود. اعضای جامعه فرهنگی زبان مقصد، ممکن است بر جنبه‌هایی که به عنوان دانش عمومی در فرهنگ زبان مبدأ در نظر گرفته می‌شوند، واقف نباشند. در چنین مواردی مترجمان ممکن است احساس کنند که به کارگیری شفاف‌سازی درک بهتری از متن را برای خوانندگان فراهم می‌آورد (همان).

### شفاف سازی ترجمه - ذاتی

شفاف‌سازی ترجمه - ذاتی مستقل از انواع یاد شده در نظر گرفته می‌شود و به خود ماهیت فرآیند ترجمه مربوط است، که می‌شود آن را با یکی از ویژگیهای عمده‌فرا زبانی ترجمه، یعنی نیاز به شفاف‌سازی مواردی در متن مقصد که در متن مبدأ به طور ضمنی بیان شده باشند، توضیح داد (کلودی ۲۰۰۴، ۸۳). به نظر می‌رسد که این نوع شفاف‌سازی به مترجم و استنباط او برمی‌گردد. نکته قابل توجه در مورد طبقه بندی ذکر شده، این است که انواع بیان شده، لزوماً انحصاری نیستند و تحت شرایطی ممکن است به طور هم زمان بزرگ مورد بیشتر از یک نوع شفاف‌سازی صدق کند.

### دیدگاههای مطرح در شفاف سازی

به طور کلی، دو دیدگاه در مورد پدیده شفاف‌سازی وجود دارد. اولین دیدگاه به دنبال نشان دادن این امر است که روندهای شفاف‌سازی، نتیجه مستقل عمل ترجمه یا به عبارتی محصول فرعی ترجمه هستند؛ در حالی که دیدگاه دوم بیان می‌دارد که تفاوت‌های زبانشناسی و سبکی بین دو زبان - زبان مبدأ و زبان مقصد - منجر به پدیداری شفاف‌سازی می‌شود.

### شفاف سازی به عنوان یکی از جهان‌شمولهای ترجمه

پایم<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) بر این عقیده است که یکی از توضیحات شفاف‌سازی، در نظر گرفتن آن به عنوان یکی از جهان‌شمولهای ترجمه است. بنابراین، مانند دو جهان شمول ارائه شده برای ترجمه، عادی

سازی<sup>۱</sup> و ساده سازی<sup>۲</sup>، شفاف سازی نیز ممکن است به همین طریق به عنوان یکی از حقایق جهان شمول در ترجمه به حساب آید.

پاپای (۲۰۰۴) معتقد است شفاف سازی به ماهیت خود فرآیند ترجمه مرتبط است که به عنوان پدیده ای ترجمه-ذاتی رخ می دهد، که از تفاوت های زبانشناسی و سبکی بین دو زبان مستثناست. وی بر این عقیده است که اگر تفاوت های زبانشناسی زبان مبدأ و زبان مقصد به عنوان علت شفاف سازیها در نظر گرفته شوند، آن هنگام، باید بیان ضمنی عناصر از زبان انگلیسی به زبان مجارستانی رخ دهد، درحالی که، وی در تحقیق خود پدیده شفاف سازی را در هر دو جهت، ترجمه از انگلیسی به مجارستانی و از مجارستانی به انگلیسی، مشاهده کرد. در نهایت وی به این نتیجه رسید که شفاف سازی پدیده ای جهان شمول است.

جهانشمولهای ترجمه، ویژگیهای زبانشناسی هستند که به طور خاص در ترجمه ها رخ می دهند تا در متون اصلی؛ و مستقل از تأثیر تفاوت های زبانی جاری در فرآیند ترجمه در نظر گرفته می شوند. از طریق بررسیهای مقایسه ای ترجمه ها با متون اصلی آنها، تعدادی از ویژگیهایی که در تمام انواع متون ترجمه شده مشترک بحساب می آیند، شناسایی شده اند. این ویژگیها شامل ساده سازی، پرهیز از عناصر تکراری موجود در متن مبدأ، و به ویژه شفاف سازی می باشند (لاویوزا بریتویت<sup>۳</sup> ۲۰۰۴، ۲۸۸).

### شفاف سازی ، ضرورتی زبانشناسی

برخلاف دیدگاه اول، برخی دیگر از پژوهشگران معتقدند شفاف سازی پدیده ای زبانشناسی است که به خاطر تفاوت های موجود در سبک و ساختار دو زبان مبدأ و مقصد رخ می دهد. بارخودارو<sup>۴</sup> (۱۹۷۵) بر این عقیده است که شفاف سازی به خاطر تفاوت های ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد استفاده می شود. وی در تحقیقی بر متون ترجمه شده انگلیسی- روسی مواردی از شفاف

1. normalization
2. simplification
3. Laviosa-Braithwaite
2. Barkhudarov

سازی را در ترجمه از انگلیسی به روسی مشاهده کرد که ناشی از تفاوت‌های سبکی و ساختاری بودند: در هنگام ترجمه از متون انگلیسی به روسی، مترجمان می‌بایستی به شفاف‌سازی گروه‌های اسمی انگلیسی حذف شده پردازند، به عبارتی دیگر، به خاطر پیروی از ساختارهای زبانی روسی عناصر معنایی خاص حذف شده در رو ساخت انگلیسی که در ژرف ساخت آن موجود می‌باشد، در روساخت زبان روسی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

نایدا<sup>۱</sup> (۱۹۶۴) به صورت عملی این موضوع را مورد بحث قرار داده است. وی به دنبال فراهم سازی اصولی برای مترجمان بوده است که آنها را در استفاده مناسب از شفاف‌سازی راهنمایی کند. او شفاف‌سازی را به عنوان یکی از جهان شمولهای ترجمه در نظر نمی‌گیرد، بلکه به مطالعه برخی از موارد مقایسه ای میان متن مبدأ و مقصد می‌پردازد.

#### روش تحقیق

برای آزمودن فرضیه شفاف‌سازی در بافتی متناظر یک سویه فارسی- انگلیسی، ده حکایت به صورت تصادفی از گلستان سعدی انتخاب شد. پژوهشگر با مطالعه جمله به جمله این حکایتها و ترجمه های آنها به بررسی جنبه های پدیده شفاف‌سازی پرداخت و با استفاده از تقسیم بندی کلودی (۲۰۰۴) موارد شفاف‌سازی مورد استفاده را از ترجمه ها استخراج کرد. سه ترجمه انگلیسی در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفتند که مترجمان آنها عبارتند از رهاتسک<sup>۲</sup> (۲۰۰۴)، ایستویک<sup>۳</sup> (۱۹۷۹)، و راس<sup>۴</sup> (۱۸۹۰).

#### تجزیه و تحلیل داده ها

در ادامه چند مثال از هر کدام از انواع شفاف‌سازی به کارگرفته شده توسط مترجمان این تحقیق بررسی خواهد شد.

1. Nida
2. Rehatsek
3. Eastwick
4. Ross



### شفاف سازی اجباری

یکی از انواع شفاف سازی ارائه شده توسط کلودی (۲۰۰۴) شفاف سازی اجباری است.

مثال:

بازرگانی را هزار دینار خسارت افتاد. پسر را گفت: نباید که این سخن با کسی در میان نهی.

**Rehatsek:** A merchant having suffered loss of a thousand dinars, enjoined his son not to reveal it to anybody.

**Eastwick:** A merchant met with loss of a thousand dinars, and said to his son, "Thou must not tell anyone of this matter."

**Ross:** A merchant happened to loss a thousand dinars. He said to his son: It will be prudent not to mention this loss to anybody.

در ترجمه واژه فارسی "پسر"، هر سه مترجم ضمیر ملکی سوم شخص "his" را به ترجمه های خود اضافه کرده اند، که در متن مبدأ به صورت تلویحی درک می شود. ولی به خاطر تفاوت های دو زبان در ساختار نحوی باید به زبان مقصد، یعنی انگلیسی، افزوده شود. این مورد می تواند نمونه ای از شفاف سازی اجباری باشد.

مرد از محاورت با او به جان رنجیدی و از مجاورت او چاره ندیدی.

**Rehatsek:** The man saw no means of escaping from contact with her.

**Eastwick:** The man was vexed to death by her propinquity, yet he did not see how to get rid of her by reason of the settlement.

**Ross:** He was teased to death by her company; but, from the circumstance of the dower, he had no remedy.

در زبان فارسی، جنسیت ضمائر سوم شخص مشخص نیست، مگر این که از متن درک گردد. به عبارتی دیگر، زمانی که ضمیر سوم شخص "او" در فارسی به کار می رود، به خودی خود مؤنث یا مذکر بودن آن مشخص نیست. ولی زبان انگلیسی ضمائر سوم شخص خاصی برای هر دو جنسیت دارد که عبارتند از: *hers* و *he, she, him, his, her*. بنابراین در ترجمه از فارسی به انگلیسی جنسیت ضمائر سوم شخص می بایستی مشخص گردد. همان طور که مشاهده می شود، هر سه

مترجم با استفاده از ضمیر سوم شخص مؤنث ترجمه های خود را شفاف ساخته اند. با توجه به نکات ذکر شده، این مورد می تواند شفاف سازی اجباری باشد.

ملک خندید...

**Rehatsek:** The king smiled...

**Eastwick:** The king laughed...

**Ross:** The king smiled...

همان طور که در بحث شفاف سازی اجباری گفته شد، یکی از علتهای این نوع شفاف سازی نبود برخی از مقولات نحوی در یکی از دو زبان می باشد. برخلاف زبان فارسی، زبان انگلیسی حرف تعریف *the* دارد. بنابراین، در ترجمه از فارسی به انگلیسی گاهی ضروریست که از آن استفاده گردد. اینجا، در این مثال خاص مترجمان، آن را قبل از واژه *king* استفاده کرده اند، به این دلیل که این واژه، اسمی مفرد قابل شمارش و معرفه می باشد.

#### شفاف سازی اختیاری

نوع دیگر شفاف سازی ارائه شده توسط کلودی (۲۰۰۴) شفاف سازی اختیاری است.

مثال:

صیاد، بی روزی در دجله نگیرد...

**Rehatsek:** Moral: A fisherman cannot catch a fish in the Tigris without a day of luck...

**Eastwick:** Maxim: A fisherman without luck cannot capture a fish in the Tigris.

**Ross:** And they have said: Unless it be his lot, the fisherman cannot catch a fish in the Tigris...

واژه "Moral" در ترجمه اول، واژه "Maxim" در ترجمه دوم، و بند "And they have said" در ترجمه سوم، شفاف سازیهای رخ داده ای هستند که در متن مبدأ ذکر نشده اند و می توانند شفاف سازی اختیاری باشند به آن دلیل که جملات، بدون استفاده از آنها از لحاظ نحوی صحیح هستند. با افزودن این شفاف سازیها، مترجمان سعی داشته اند نشان دهند که جمله فوق در زبان مبدأ، جمله ای شناخته شده و ضرب المثل گونه می باشد. آنها می خواستند که این حقیقت را به خوانندگان خود انتقال دهند.

گفت: ای پدر فرمان تو راست نگویم...

**Rehatsek:** The boy said: 'It is thy orders and I shall not tell it...'

**Eastwick:** The son replied, "O father! it is thy command; I will not tell it."

**Ross:** The son answered: O father, it is your orders, and I shall not mention it.

مترجم اول و سوم حرف ربط "and" به معنای "و" را به ترجمه های خود افزوده اند، که در متن مبدأ به طور صریح بیان نشده است. این درحالی است که مترجم دوم چنین حرف ربطی را به کار نبرده است. شفاف سازی این حرف ربط به منظور افزایش پیوستگی و انسجام متن مقصد رخ داده است. از آنجایی که بدون کاربرد آنها در متن مقصد، می شود جملاتی ساخت که از لحاظ نحوی صحیح باشند، می توان آنها را شفاف سازیهای اختیاری دانست.

چندان که مرا در حق خداپرستان ارادت است، مرا این شوخ دیده را عداوت است و انکار. حق به جانب اوست.

**Rehatsek:** 'Despite of my wishing to do good to this class of worshipers of God, this rogue bears them enmity and thwarts my wish but truth is on his side.'

**Eastwick:** "Strong as my good intentions are towards this body of godly men, and much as I wish to express my favour towards them, I am thwarted by a proportionate enmity and rejection of them on the part of this saucy fellow, and he has reason on his side."

**Ross:** However much I reverence and favour this tribe of God's worshippers, this saucy fellow expresses for them a spite and ill-will; and, if you desire the truth, he has justice on his side.

مترجم اول حرف ربط "but"، و مترجم دوم حرف ربط "and"، و مترجم سوم بند "and, if you desire the truth" را به ترجمه خود افزوده اند که در متن مبدأ ذکر نشده اند. مترجمان از این شفاف سازیها بهره برده اند تا متن مقصد را منسجم تر کنند و رابطه بین جملات را صریح تر سازند. این شفاف سازیها می توانند نمونه هایی از شفاف سازی اختیاری باشند. زیرا می توان بدون کاربرد آنها جملات نحوی صحیحی ساخت.

## شَفَّاف سازی کاربرد شناختی

نوع دیگری از شَفَّاف سازی ارائه شده توسط کلودی (۲۰۰۴) شَفَّاف سازی کاربرد شناختی است.

مثال:

درویشی مستجاب الدعوه در بغداد پدید آمد.

**Rehatsek:** A dervish, whose prayers met with answers\*, made his appearance,...

\*Men of holiness, whose prayers are believed to meet with responses, not only enjoy great respect, but are also feared on account of the imprecations they may utter in anger; and when impudent they can scarcely be punished.

**Eastwick:** A darwesh, whose prayers were accepted with God, made his appearance in Baghdad.

**Ross:** A darwesh, whose prayers had a ready acceptance [with God], made his appearance at Baghdad.

هر سه مترجم برای انتقال معنای فرهنگی "مستجاب الدعوه" به بیان توصیفی آن در قالب بند روی آوردند. به عبارتی دیگر، مترجم اول از بند "whose prayers met with answers" استفاده کرده است. وی همچنان پاورقی ای نیز به کار برده است که در آن معنای واژه "مستجاب الدعوه" را به خوانندگان متن مقصد توضیح داده است. مترجم دوم از بند "whose prayers were accepted with God" استفاده کرده است. و مترجم سوم بند "whose prayers had a ready acceptance [with God]" را به کار برده است. همان طور که مشاهده می شود این مترجم عبارت "with God" را در میان کروشه به ترجمه خود اضافه کرده است. هر سه مترجم با استفاده از این راهبردها سعی کرده اند معنایی - تا حدودی - مشابه را به متن مقصد انتقال دهند و امکان برخورداری از درک بهتری از ترجمه را برای خوانندگان خود فراهم آورند. این نوع شَفَّاف سازیها را می توان شَفَّاف سازیهای منظور شناختی در نظر گرفت.

ملک فرمود استاد را خلعت و نعمت دادن...

**Rehatsek:** The king ordered a robe of honour with other presents to be given to the teacher...

**Eastwick:** The king commanded them to bestow a robe of honour and reward on the master...

**Ross:** The king ordered them to give the master an honorary dress and handsome largess...

واژه فارسی "خلعت" واژه ای دارای بار فرهنگی می باشد، که به معنای لباس دوخته شده ایست که از طرف بزرگی به شخصی هدیه گردد. مترجم اول و دوم از عبارت "a robe of honour" و مترجم

سوم از عبارت "an honorary dress" برای انتقال معنای آن به متن مقصد استفاده کرده اند. شفاف سازیهای رخ داده به خاطر نبود واژه ای با بار معنایی مشابه در زبان مقصد، یعنی انگلیسی، می باشد که می توان آنها را شفاف سازیهای منظور شناختی دانست.

نماینده حاتم طایی ولیک تا به ابد بماند نام بلندش به نکویی مشهور

**Rehatsek:** Hatim Tai\* has passed away but for ever  
His name will remain celebrated for beneficence.

\* A pre-islamitic Arab whose name has to this day remained proverbial for liberality.

**Eastwick:** Hatim\* is dead; but to eternity

His lofty name will live renowned for good.

\* Abu Adi Hatim-bin-Abdu 'llah-bin-Sadu'l Tai, usually called Hatim Tai, was an illustrious Arab, renowned for his generosity. He lived before Muhammad, but his son Adi, who died at the age of 120, in the 68th year of the Hijrah, he said to have been a companion of the prophet. Tai is the name of a powerful Arabian tribe, to which Hatim belonged. One anecdote of Hatim's liberality is very celebrated. The Greek Emperor has sent ambassadors to him for a famous horse he possessed, which swiftness and beauty were unrivalled, and which he valued with all an Arab's pride. When the envoys arrived, through some accident he had no foot to give them; he, therefore, killed his favorite steed, and served up part of its flesh. When their hunger was satisfied, the envoys told the object of their mission, and were astounded at learning that the matchless courser had been sacrificed to shew them hospitality.

**Ross:** Hatim tayi remains not, yet his exalted name live renowned for generosity to all eternity.

مترجم اول و دوم در ترجمه های خود از پاورقی استفاده کرده اند که در آن "حاتم طایی" را به خوانندگان خود معرفی کرده اند. در دو پاورقی یاد شده مترجمان به طور مناسبی به دلیل شهرت این شخص اشاره کرده اند، یعنی بخشندگی اش. با افزودن چنین شفاف سازیهایی مترجمان اطلاعات بیشتری را به خوانندگان خود داده اند. این در حالی است که مترجم سوم از چنین شفاف سازی ای استفاده نکرده است. بنابراین، خوانندگان ترجمه اش با پیشینه این شخص آشنا نمی شوند. این شفاف سازیها را می توان شفاف سازیهای منظور شناختی در نظر گرفت.

#### شفاف سازی ترجمه - ذاتی

نوع دیگری از شفاف سازیهای ارائه شده کلودی (۲۰۰۴) شفاف سازی ترجمه - ذاتی است.

مثال:

یکی نقصان مایه و دیگری شماتت همسایه.

**Rehatsek:** ...the loss of the money and, secondly, the joy of neighbours at our loss.'

**Eastwick:** ...first, the loss of our money; and secondly, the malignant rejoicings of our neighbours."

**Ross:** ...one, the loss of my money; another, the reproach of my neighbour.

برخلاف مترجم سوم، در ترجمه واژه فارسی "شماتت" به جای به کاربردن عبارت "the reproach" مترجمان اول و دوم از عبارتهای "the joy" به معنای شادی و "the malignant rejoicings" به معنای اظهار شادمانی شریرانه استفاده کرده اند. این شفاف سازیها را می توان به عنوان شفاف سازیهای ترجمه-ذاتی در نظر گرفت.

... غلامی عاقل هشیار بود.

**Rehatsek:** ... the slave was intelligent and shrewd.

**Eastwick:** ... the servant was shrewd and intelligent.

**Ross:** This was a discreet and considerate young man.

برخلاف مترجم اول و دوم، مترجم سوم عبارت "young man" به معنای مرد جوان را در ترجمه واژه فارسی "غلام" به کار برده است. این شفاف سازی می تواند شفاف سازی ترجمه-ذاتی باشد، چون مترجم می توانسته همانند دو مترجم دیگر از دو واژه "slave" و "servant" استفاده کند.

گفت این دعای خیر است تو را و جمله مسلمانان را.

**Rehatsek:** The dervish rejoined: 'It is a good prayer for thee and for all Musalmans.'

**Eastwick:** He replied, 'It is a good prayer for thee, and for all Musalman.'

**Ross:** He answered: it is a salutary prayer for you, and for the whole sect of Musalmans.

در ترجمه فعل فارسی "گفت" مترجم اول فعل "rejoined"، مترجم دوم فعل "replied"، و مترجم سوم فعل "answered" را به کار برده است. سه فعل نام برده به معنای پاسخ دادن می باشند. مترجمان با استفاده از این افعال به جای کاربرد فعل "said"، ترجمه های خود را شفاف ساخته اند. این شفاف سازیها را می توان شفاف سازیهای ترجمه-ذاتی دانست.

## نتیجه گیری

پس از تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده در این تحقیق، مشخص شد که هر سه مترجم به طور چشم گیری از راهبرد شفاف سازی در ترجمه گلستان به انگلیسی استفاده کرده اند. بنابراین، یافته های این تحقیق شواهد کمی در تأیید فرضیه شفاف سازی مبنی بر این که ترجمه شفاف تر و طولانی تر از متن مبدأ است، فراهم آورد. در همین راستا، دو فرضیه تحقیق تأیید شد. نتیجه مهم دیگری که این تحقیق بدان دست یافت این است که شفاف سازی رابطه مستقیمی با کیفیت ترجمه دارد. مترجمین با استفاده از شفاف سازی، ترجمه های خود را روانتر، منسجم تر و قابل فهم تر ساختند. با این عمل کیفیت ترجمه های خود را ارتقا دادند.

انواع شفاف سازیهای به کار رفته توسط مترجمان با استفاده از تقسیم بندی کلودی (۲۰۰۴) مشخص شد. این بررسی نشان داد که شفاف سازی اجباری بالاترین بسامد و شفاف سازی کاربرد شناختی کمترین بسامد را داشتند. نتایج آماری مربوط به آنها در جدول ذیل قابل مشاهده است.

## جدول توزیع فراوانی انواع شفاف سازی در ترجمه های انگلیسی

ده حکایت تحلیل شده از گلستان سعدی

انواع شفاف سازی					
مجموع	ترجمه-ذاتی	کاربردشناختی	اختیاری	اجباری	
۳۱۲	۴۹	۱۴	۳۶	۲۱۳	رهاتسک
۳۴۵	۵۹	۱۴	۴۱	۲۳۱	ایستویک
۳۴۹	۷۳	۱۳	۴۲	۲۲۱	راس
۱۰۰۶	۱۸۱	۴۱	۱۱۹	۶۶۵	مجموع

همان طور که در جدول مشاهده می شود، به طور کلی در هر سه ترجمه، شفاف سازی اجباری با ۶۶۵ مورد استفاده بالاترین بسامد و شفاف سازی کاربرد شناختی با ۴۱ مورد استفاده کمترین بسامد را داشتند. در همین راستا، شفاف سازی اختیاری ۱۱۹ مرتبه و شفاف سازی ترجمه-ذاتی نیز ۱۸۱ مرتبه مورد استفاده قرار گرفتند.

همان طور که مشاهده می شود، هر سه مترجم در مجموع ۱۰۰۶ مرتبه شفاف سازی را به کار برده اند. این امر به وضوح آشکار می سازد که مترجمان به طور چشم گیری از راهبرد شفاف سازی استفاده کرده اند. در ترجمه ده حکایت مورد بررسی، در مجموع، رها تسک ۳۱۲ مرتبه از شفاف سازی استفاده کرده است. از این میان، وی ۲۱۳ مرتبه از شفاف سازی اجباری، ۳۶ مرتبه از شفاف سازی اختیاری، ۱۴ مرتبه از شفاف سازی کاربرد شناختی، و ۴۹ مرتبه از شفاف سازی ترجمه-ذاتی استفاده کرده است. ایستویک، در مجموع، ۳۴۵ مرتبه شفاف سازی را در ترجمه خود به کار برده است. از این میان، او ۲۳۱ مرتبه از شفاف سازی اجباری، ۴۱ مرتبه از شفاف سازی اختیاری، ۱۴ مرتبه از شفاف سازی کاربرد شناختی، و ۵۹ مرتبه از شفاف سازی ترجمه-ذاتی استفاده کرده است. و سرانجام، رأس، به طور کلی در ترجمه ده حکایت مورد بررسی، ۳۴۹ مرتبه از شفاف سازی استفاده برده است. از این میان، وی ۲۲۱ مرتبه از شفاف سازی اجباری، ۴۲ مرتبه از شفاف سازی اختیاری، ۱۳ مرتبه از شفاف سازی کاربرد شناختی، و ۷۳ مرتبه از شفاف سازی ترجمه-ذاتی استفاده کرده است.

به کارگیری تقسیم بندی کلودی (۲۰۰۴) به محقق کمک کرد تا به نتیجه قابل توجه دیگری برسد که در ادامه بحث آورده می شود.

همان طور که قبلاً گفته شد، دو دیدگاه در مورد پدیده شفاف سازی وجود دارد: اولی، دیدگاه محققینی همچون نایدا (۱۹۶۴) و بارخودارو (۱۹۷۵) است؛ بدین صورت که تفاوتها در ساختار نحوی و معنایی زبانها تنها دلیل موارد شفاف سازی رخ داده در ترجمه ها هستند. دومی، دیدگاه محققینی همچون پایم (۲۰۰۵)، لایوزا بریثویت (۱۹۹۸)، و چسترمن (۱۹۹۷) است؛ بدین صورت که موارد شفاف سازی تنها نتایج و محصولات فرعی ترجمه بوده و مستقل از تفاوتهای نحوی بین زبانها است. این تحقیق روشن ساخت که این دو دیدگاه نسبی هستند، نه مطلق. به عبارتی دیگر،



یافته‌های این تحقیق نشان داد که فراوانی شفاف سازی اجباری (۶۶۵ مورد) و شفاف سازی ترجمه-ذاتی (۱۸۱ مورد) که به این دو دیدگاه مربوط هستند، هر دو قابل توجه بودند. هر چند فراوانی مورد اول بیشتر از فراوانی مورد دوم بود. به علاوه، استفاده از دو نوع شفاف سازی دیگر، یعنی اختیاری و کاربرد شناختی، نیز مشاهده شد.

این بررسی نشان داد که دلایل مختلفی برای هر نوع شفاف سازی وجود دارد. برخی از آنها اجباری هستند بدین معنا که به خاطر قوانین زبان مقصد مترجمان برای این‌که ترجمه مناسبی ارائه بدهند مجبور به اعمال تعدیلاتی یا به عبارتی استفاده از شفاف سازی در ترجمه خود می شوند. برخی اختیاری هستند که شامل موقعیتهایی می شود که مترجمان به صورت اختیاری چیزی را به ترجمه خود اضافه می کنند. مترجمان این کار را یا به خاطر روان تر و منسجم تر ساختن ترجمه خود یا به خاطر دادن اطلاعات بیشتر به خوانندگان خود انجام می دهند. و برخی کاربرد شناختی می باشند، بدین معنا که واژه هایی با بار فرهنگی در متن مبدأ می باشد که مترجمان برای انتقال معنا های آنها نیازمند دادن توضیحات - خواه در ترجمه، در درون گروه و یا در پاورقی - می باشند. با انجام چنین کاری، خوانندگان آنها درک بهتری از ترجمه خواهند داشت. و سرانجام برخی ترجمه-ذاتی می باشند که به مواردی مستقل از بحثهای یاد شده اشاره دارد، مثل مواردی که مترجمین شفاف سازیهایی را به کار می برند که ممکن است به طور تلویحی در متن مبدأ بیان شده باشند. این نوع شفاف سازیها گاهی ممکن است به انسجام متن نیز کمک کنند. تحقیق نشان داد که هر سه مترجم از تمامی چهار نوع شفاف سازی ارائه شده توسط کلودی (۲۰۰۴) در ترجمه های خود استفاده کردند.

#### کتابنامه

- ۱- سعیدی، شیخ مصلح الدین. (۱۳۸۱). *گلستان*. به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر. تهران: چاپ مروی.
- 2- Baker, M. (1996). Corpus-based translation studies: The challenges that lie ahead. In H. Somers (Ed.), *Terminology, LSP, and translation: Studies in language engineering, in honour of Juan C. Sager*. (pp.175-186). Amsterdam: John Benjamins.
- 3- Barkhudarov, L. S. (1975). *Language and translation*. Moscow: Mezhdunarodnye otnosheniya.
- 4- Chesterman, A. (1997). *The memes of translation: The spread of ideas in translation theory*. Amsterdam: Benjamins.

- 5- Eastwick, E. B. (1979). *The rose garden of Shekh Muslihu'd-Din Sadi of Shiraz*. London: Octagon Press.
- 6- Klaudy, K. (2004). Explication. In M. Baker (Ed.), *Routledge encyclopedia of translation studies* (pp. 80-4). New York: Routledge.
- 7- Laviosa-Braithwaite, S. (2004). Universals of translation. In M. Baker (Ed.), *Routledge encyclopedia of translation studies* (pp. 288-291). New York: Routledge.
- 8- Nida, E. A. (1964). *Towards a science of translation*. Leiden: Brill.
- 9- Olohan, M., & Baker, M. (2000). Reporting that in translated English: Evidence for subconscious processes of explication?. *Across languages and cultures, 1*, 141-72.
- 10- Øverås, L. (1998). In search of the third code: An investigation of norms in literary translation. *Meta, 43* (4), 571-588.
- 11- Pápai, V. (2004). Explication. In A. Mauranen and P. Kujamak (Eds.), *Translation universals: Do they exist?* (pp. 153-159). Amsterdam: John Benjamins.
- 12- Perego, E. (2003). Evidence of explication in subtitling: towards a categorization. *Across Languages and Cultures, 4* (1), 63-88.
- 13- Pym, A. (2005). Explaining explication. In K. Károly & À. Fóris (Eds.), *New trends in translation studies: In honour of Kinga Klaudy* (pp. 29-43). Budapest: Akademia Kiado.
- 14- Rehatsek, E., & Wickens, G. M. (2004). *Gulistan and Bustan: Sheikh Musleh-'iddin Sa'di*. Tehran: Hermes Publishers.
- 15- Ross, J. (1890). *Sadi's Gulistan or flower garden*. Shiraz: Khayam Printing Press.
- 16- Shuttleworth, M., & Cowie, M. (1997). *Dictionary of translation studies*, Manchester: St. Jerome.
- 17- Van Leuven-Zwart. K. M. (1989). Translation and original: similarities and dissimilarities, I. *Target, 1* (2), 151-181.
- (1990). Translation and original: similarities and dissimilarities, II. *Target, 2* (1), 69-95.
- 18- Vanderauwera, R. (1985). *Dutch novels translated into English: The transformation of the minority literature*. Amsterdam: Rodopi.
- 19- Vehmas-Lehto, I. (1989). *Quasi-correctness: A critical study of Finnish translations of Russian journalistic texts*. Helsinki: Neuvostoliitto - instituutti.
- Vinay, J. P., & Darbelnet, J. (1958/1977). *Stylistique comparee du francais et de l'anglais: Methode de traduction*. Montreal: Beauchemin, translated and edited by J. C. Sager and M. J. Hamel (1995) as *Comparative stylistics of French and English: A methodology for translation*. Amsterdam: John Benjamins.